

محیط احوال، زندگانی، آثار، اندیشه و جهان بینی ابن حسام و راجی کرمانی

اکبر دژبند سولوئیبه

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

ادبیات در هر شکل و قالبی بیانگر راز و رمزهای ملی و فرهنگی جامعه می باشد و فراز و فرودهای تاریخ تمدن صاحبان خود را بیان می کند. و در حقیقت رمز هویت ملی و فرهنگی هر قومی است. اقوام دارای پیشینه ی فرهنگی غنی، ادبیاتی پر بار و غنی دارند. ادبیات غنی ملت ما با پیشینه ی تاریخی و فرهنگی پر بار خود آثار پر ارجی را به دنیا عرضه کرده است. از آن جایی که هر کس در زندگی خاص خود تجربه های ویژه خود را دارد. طبعاً صور خیال او نیز دارای مشخصاتی و شیوه خاصی دارد که ویژه خود اوست و نوع تصاویر هر شاعر صاحب اسلوب و صاحب شخصیتی بیش و کم اختصاصی اوست. حمله سرایی و حمله خوانی نیز از جمله سنن و جلوه های تفکر قدسی در تاریخ هنر و ادب سرزمین ماست جمع خوانی حماسه هایی که با نام حمله ی حیدری در منقبت مولای متقیان علی (ع) سروده شده بود، از عادات فراگیر فارسی زبانان بوده است که خود شیوه ای از نقالی ملی و شیعی است. حمله ی حیدری علاوه بر تاثیر پذیری از سبک حماسی، تمامی ابزار و ترفندهای بیانی و بدیعی را در خدمت ایجاد جاذبه ای نو و متفاوت از حقیقت می گیرد، تا در نهایت با ایجاد همسانی و همسویی راوی و روایت گر، مخاطب را با باورها و انگاره های اصلی اثر همگام سازد.

کلید واژه: اندیشه و جهان بینی، ابن حسام، راجی کرمانی، خاوران نامه، حمله ی حیدری، محیط احوال.

مقدمه

یکی از وجوه برجسته و چشمگیران این گونه آثار، توانمندی را وی در ایجاد دگرگونه نگری و درکی جدید از واقعیتی تاریخی و ملموس است که در صحنه روایت جامه ای دیگرگون بر تن می کند و به گونه ای دیگر خود را به رخ می کشد و جاذبه ای نو و متفاوت می آفریند. زیرا «هنر و ادبیات، گرد عادت را از دیدگان را از دیدگان ما می زداید، تا ما به گونه ای دیگر ببینیم». اما این گونه به نظر می رسد که حماسه های مصنوعی به تقلید از حماسه های طبیعی ساخته و پرداخته می شود، ولی به خاطر جایگاه تاریخی و داشتن قهرمانان دینی و مذهبی چهره ی افسانه ای و اسطوره ای و ملی خود را از دست میدهند. از آن جا که قهرمانان مذهبیدارای تقدساند. بیان هر مسئله و واقعهای که به دور از جنبه تاریخی باشد خود حماسه را تحت اشاع قرار می دهد و از واقعیت دور می سازد و از صلابت سخن می کاهد و اسطوره را از حماسه می گیرد. حماسه های دینی هم هر جا واقعاً به تاریخ تبدیل می شوند. جوهر شعری و قوت و عظمت خود را از دست می دهند. در تاریخ آنچه اهمیت دارد، راست بودن آن است و در حماسه پیش از هر چیز دیگر اهمیت در شگفت انگیزی است و راست نمایی و حماسه دینی و مذهبی به توصیف قهرمانی های بزرگان و اولیای دینی هر قوم اختصاص دارد. این نوع حماسه به بیان مشکلات و جان فشانی قهرمانان و بزرگان می پردازد، که فداکاری آنها نقشی به سزا در تکوین و ریشه دار شدن دین و مذهب یک قوم ایفا کرده است.

اوضاع اجتماعی دوران ابن حسام و راجی

تقریباً در همه پژوهش های حماسه شناختی، چنین تصور می شد که سرایش منظومه های به اصطلاح حماسی در تاریخ ادبیات با خاوران نامه ابن حسام خوسفی در قرن نهم هجری آغاز شده است و این نوع از انواع آثار ادب حماسی (صفا، ۱۳۵۲: ص ۱۲۵) در قیاس با داستان های پهلوانی و حتی مجموعه های منظومه تاریخی سابقه کمتری دارد؛ تا این که مقاله درخشان و تحول آفرین دکتر شفیعی کدکنی، با معرفی و بررسی دست نویس از یک منظومه دینی به نام علی نامه، برای نخستین بار نشان داد که نظام پهلوان نامه های دینی، پیشینه ای حدوداً همسال شاهنامه فردوسی دارد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: صص ۴۲۵ - ۴۹۴) از هجوم مغول به ایران (۶۱۶ق.) تا ایلغار های تیمور، در این پر آشوب و ویرانگر در تاریخ ایران اتفاق افتاد؛ ایرانیان در این دوران بیش از اتمام گذشته خود، رنج برند و بسیاری از آثار نامطلوب سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این دوران، در ناخودآگاه جمعی آنان، اثری عمیق و جانکاه به جای گذاشت. تفکر سوفیانه که از اولین نتایج نومیدی های مردم در روزگار مغول بود، رواج یافت. و همه این مسائل با از دست رفتن استقلال و وحدت ملی ایران که با شکست غرور و امید به آینده، بدبینی و ضعف و از بین بردن اعتماد به نفس ملی همراه بود و همین عوامل سبب شد که شعر حماسی نیز کاملاً رنگ باخته و متروک گردد و با حمله مغول یکباره به دست نیستی سپرده شود و طبعاً از اوایل قرن هفتم تا روی کار آمدن صوفیان در آغاز قرن دهم هجری، حماسه ی ملی بزرگی پدید نیامد و داستان های حماسی مصنوعی تاریخی و دینی، جای حماسه های ملی و طبیعی را بگیرد. در هیچ یک از این حماسه ها، سخنی از عظمت ایران و پهلوانان ایرانی نیست. و برعکس حماسه های کهن، اغلب بیگانگان و حتی خونریزانی چون چنگیز و تیمور در این حماسه ها وصف و ستوده می شوند. از این قبیل منظومه ها که از قرن هفتم تا قرن دهم هجری سروده شده اند، می توان از این آثار نام برد شاهنامه هاتفی، شهنشاه نامه تبریزی، غازان نامه، کرت نامه، سام نامه ی سیفی، سام نامه ی خواجه، زرتشت نامه، اسکندر نامه، ظفر نامه یزدی، بهمن نامه، تمر نامه، شاهرخ نامه، همه ی این حماسه ها در بحر متقارب سروده شده اند و تاریخی هستند (رستگار فسایی، ۱۳۸۷: صص ۷-۸).

در ادبیات رسمی و عامیانه ایران، سنتی است که در بیشتر مجموعه های مربوط بدانها دیده می شود و تفاوت ها تنها در شدت و ضعف این اختلاط و افسانگی است، به طوری که این آثار را با تسامح در کاربرد اصطلاحات «حماسه»، به تعبیر مرحوم محجوب، می توان «حماسه عامیانه دینی» نامید. (محجوب، ج ۱، ۱۳۸۲: ۴۴۱) ابن حسام خوسفی شاعری آیینی است؛ وی دیوان اشعاری دارد که در بخش دوم آن قصاید غرایبی در نعت پیامبر اکرم (ص) و منقبت مولای متقیان علی (ع) و بیان فضایل ائمه اطهار سروده و شرح مصائبی است که بر آن بزرگواران رفته است. این بخش، شامل ۳۸۳۳ بیت است. در میان شاعرانی که به نثر فضائل و ترسیم سیمای درخشان مولای علی (ع) از بعد شجاعت، عدالت، سخاوت، ایثار و گذشت، علم، آگاهی، زهد و تقوا پرداخته اند و برخلاف شاعران مداح، انتظار کوچک ترین صله مادی نداشته اند، چهره ابن حسام، این فرزانه زاهد، که بیشترین

بخش آثارش را به مدح علی(ع) و خاندان پاکش اختصاص داده، تالو خاص دارد. دفاع او از حقانیت مولا و فرزندان بزرگوارش تا آنجا بود که معاندان و دشمنانش، نسبت کمتر به او دادند. شاعر، خود در قصیده ای، به این موضوع اشاره دارد:

گر نعت اهل بیت کفر است کافر
نسبت به کفر می‌کنم خصم خاکسار
آری حسود طعنه اگر می‌زند چه سود

هم آسمان گواه برین قول هم زمین
حاشا چه کفر؟ کفر کدام و کدام دین؟!
بی نشستر مگس نبود نوش انگبین

علاوه بر دیوان اشعار، وی کتاب خاوران نامه را سروده است که یکی از قدیم ترین حماسه های شیعی است که حدود ۲۲۵۰۰ بیت است و در خصوص جنگ های حضرت علی(ع) سروده شده است. (احمدی بیرجندی، ۱۳۶۴: ۴۱) «موضوع اصلی آن، سفرها و حملات علی(ع) به سرزمین خاوران به همراهی مالک اشتر و ابوالمحجن و جنگ قباد پادشاه خاور زمین و امرای دیگری مانند تهماسب شاه و جنگ با دیو و اژدها و امثال این وقایع، ناظم کتاب مدعی است که موضوع منظومه خود را از یک کتاب تازی انتخاب کرده است و خود مستقیماً دخالتی نداشته است.

خاوران نامه ابن حسام از بهترین نمونه های حماسی دینی است و به سبب سرودن این منظومه وی را فردوسی ثانی لقب داده اند. زیرا اندیشه تابناک و اعتقاد راسخ او، فردوسی بزرگ را فرا یاد می آورد، آنجا که به دلیل اظهار تولی به مقام شامخ اهل بیت، مورد آزار و اذیت فردی همچون سلطان محمود غزنوی واقع می شود:

منم بنده اهل بیت نبی
گرت زین بد آید گناه من است
برین زادم و هم بر این بگذرم

ستاینده خاک پای وصی
چنین است آیین و راه من است
چنان دان که خاک پی حیدرم

(فردوسی، ج ۱، ۱۳۶۹: ۴۴)

پس از ابن حسام، مثنوی خاوران نامه مورد تقلید دیگران قرار گرفت؛ یکی به دلیل فضل تقدم او در توصیف جنگ های حضرت علی (ع) است. دیگره بازه ی زمانی قرن نهم است که گرایشات شیعی در آن رو به فزونی بود. عامل دیگر زیبایی بیان و ویژگی های بلاغی اثر اوست.

نکته بسیار مهم و در خور تحقیق در بررسی دور نمایه داستان خاوران نامه، این است که در این منظومه، با این که جغرافیای داستان، بیرون از ایران زمین است و سرزمین هایی که علی (ع) به آنها حمله می کند هیچ ارتباطی با ایران ندارند و حتی در گزیده پنج هزار بیتی از منظومه یک بار نیز نام ایران در روند داستان ها مطرح نمی شود، بیشتر اسامی بزرگان و پهلوانان آن مناطق که در برابر امام می ایستند، ایرانی، و جالب تر این که از نام های شخصیت های حماسی - اساطیری ایران است.

با ملاحظه چنین قراین و اشاراتی، این حدس کاملاً احتیاط آمیز و احتمالی به ذهن می رسد که شاید در خاوران نامه نوعی تقابل میان عناصر و اشخاص ملی ایرانی (با نماد مردمان خاوران سه سرزمین دیگر) با مبانی و شخصیت های دینی در قالب امام علی(ع) و یاران ایشان مطرح شده که سرانجام برتری اسلام به پایان می رسد. برای این موضوع احتمالی، حداقل دو دلیل یا تحلیل می توان ارائه کرد: نخست این که ممکن است پیروزی حضرت علی(ع) و سپاه ایشان بر سرزمین هایی که مهتران و یلان آنها نام هایی ایرانی دارند، بازتاب نمادین و تداعیگر داستان فتح ایران از سوی اعراب و فرو پاشی ساسانیان باشد. شرح احوال و آثار ابن حسام خوسفی

محمد بن حسام الدین بن شمس محمد خوسفی، معروف بن ابن حسام، از شاعران شیعه مذهب و مدّاح رسول و خاندان او را در قرن نهم هجری قمری است. دولت شاه سمرقندی در ترجمه احوال ابن حسام چنین می نگارد « ملک الکلام مولانا محمد حسام الدین مشهور به ابن حسام رحمه الله علیه، به غایت خوش گفتارست و با وجود شاعری صاحب فضل بود و وقناعت و بی نیازی از خلق داشته و از طریق دهقانی و نان حلال حاصل می کرد و گاو می بست و صبح به صحرا می رفت تا شام اشعار خود را بر دسته بیل می نوشت و بعضی او را « ولی حق » شمرده اند. و در منقبت گوئی در عهد خود نظیر نداشت. (احمدی، ۱۳۷۸: ۵۱-۵۲)

ای بر سریر « کنت نبیا» نهاده پای
ای رهروان راه حریم اله را

آدم هنوز بوده مخمر به ماء وطن
شرع تو تا بروز ابد شارع مبین

وی اهل خوسف، از روستاهای قهستان خراسان بود که امروزه جزو بیرجند و قاینات محسوب می شود. موقعیت طبیعی آن جلگه ای گرمسیری است. خوسف از کهن ترین آبادی های خراسان جنوبی به شمار می رود و سابقه ای قدیم دارد. این روستا در گذشته ویژگی های لازم جهت یک شهر را دارا بوده است از جمله قلعه کهن، مرکز مسکونی متراکم، محصولات کشاورزی فراوان و بازرگانی پر رونق در مراکز داد و ستد ثابت و سیّار که تأثیری آشکار و حیاتی در تبادلات پولی و جنسی منطقه در طول زمان داشته است. بافت شهری، وجود حرفه های متنوع، زندگی سامان یافته با معیارها و سنت های ملی، شکوفایی فرهنگی، رشد قدرت های محلی همزمان با پیشرفت های شهری، تولید و خود اتکایی و مهمتر از همه وجود امکانات لازم جهت داد و ستد کالا و صدور محصولات و خدمات به آبادی های مجاور؛ می تواند گواه ظرفیت های لازم در شهریت خوسف باشد علاوه بر آن هنوز جاهایی به نام های آسیای میان شهر، پایاب میان شهر، محله میان شهر، جوی میان شهر وجود دارد که نام شهر را برای خوسف مسجّل می کند و اسنادی وجود دارد نیز مؤید این احتمال است. به هر حال امروزه خوسف، هم، به دلیل ترکیب کامل جمعیتی و اشتغال مردم به صنایع مختلف، و هم به سبب ظرفیت های طبیعی و صنعتی می تواند یک شهرک تولیدکننده باشد و با امکاناتی که دارد تولیدات خود را در سایر نقاط عرضه کند. حتی مرکزیتی مهمدر جنوب خراسان خراسانگرد، زیرا با وجود آبهای جاری و در دسترس بودن رودخانه جهت شرب و کشاورزی، همچنین موقعیت های خاص محلی و اقلیمی، امکانات طبیعی و ارتباطی لازم را داراست.

این که ابن حسام از نظر شاعریدر چه جایگاهی می ایستد، نه تنها او که شاعری را باید به میزان شعرش برسنجید. در شعر ابن حسام زمینهای گوناگونی رامیتوان پیدا کرد و کتابی قطور از ویژگیهای شعر او نگاشت. حتی پیرامون هنر شادی وی در گستره ای فراخ دامن نیز، سخن گفت.

چنانکه تکیه بردیدگاههای روان شناسیدر این روزگار، نگاهی گذرا به شعر افکنده شود، میتوان با گوشه هایی از هنر شاعری وی در دیوانش آشنایی بیشتری پیدا کرد.

یونگبر آناستکه هنرمند را بیشتر بر اساس هنرش باید شناختو دریافت تا بر مبنای سرشتو کشمکشهای شخصی او. (کاری گوستاو یونگ، ۱۳۷۲: ۵۷-۲۷) شاعر چه بخوهد و چه نخواهد، دانسته یا ندانسته اثرش در درونوی آفریده می شود، جوانه میزند، سامانمیگیرد، میبald، و برمیدهد، و ابن حسام بر این لطیفه آگاه است که می گوید :

از کاشفات غیبی الهام روح بود
اندر کفم چو کلک سه اسبه سوار شد

از لوح سینه آنچه مرا بر زبان رسید
از نوک خامه بوسه مرا بنان رسید

(احمدی بیرجندی، ۱۳۶۶: ۲۳۶)

واژهها در آفریننده خویش می رویند. پیوند شاعرا اثرش همچون پیوند مادر است با فرزند. از دید روان شناسی آفرینشهنری یعنی زاده شدن، زیرا اثر آفریده شده از ژرفای ناخودآگاه-که در حقیقت قلمرو مادران است- سر برمی آورد. آن گاه ذوق و قریحه آفرینندگی غالب می شود نا خود آگاه در ساخت و پرداخت خودآگاه هنرمند اثر می گذراد و در حالت اثری که زاده می شود بیانگر شخصیت شاعری و سرنوشت هنری اوست. این گونه است که شخصیت شاعری ابن حسام او را به جایی رهنمون می شود که بیشترین توان خویش را در زندگی شاعری اش بر سخن گفتن او معصوم می کند.

روز پیری در پس هشتاد و هفت ابن حسام
نطق خود را در ثنای او ثنا خوان یافته

(همان، ۲۰۶)

کشمکش های شخصی ابن حسام که بعد برون گرایی شخصیت او را می سازد، سخن از تنگدستی و سیه روزی او را دارد که بر سر تا سر زندگی هشتاد و اند ساله او سایه افکنده، اما آرمان های بلند و درون گرایانه و هدف های آگاهانه، او را از گنجینه پایان ناپذیر قناعت و خرسندی به گونه ای برخوردار ساخته که شادابی از برگ برگ درخت تناور احساس و اندیشه او هر جان شیفته ای را در هُرم تموز بی چیزی سایه خوش دلکش خویش عاشقانه فرا می خواند.

عطای سفله سیمایان بدان ذلت نمی ارزد
به قرص چو قناعت کن که دخل و خرج گردون را
تو را ابن حسام اکنون به چشم مفلسی منگر
سخن های روان من روز افزون می آید
پس از صد سال اگر گویی کجا نام و نشان او
به هر لفظی که بنویسی در آن صورت مرا یابی
که پیش او کمربند دم به خدمت بر میان بینی
ز هنگام سحر تا شب مقرر برد و نان بینی
که گر زر نیستش در کف، زبانش درخشان بینی
مشو منکر حدیثی را کزو قوت روان بینی
چو نامم بی نشان گردد ز نام من نشان بینی

به هر حرفی که بر خوانی مرا در ضمن آن بینی

(احمدی بیرجندی، ۱۳۶۶: ۲۶-۲۵)

بی چیزی او را در کنار هنرش بسیار کم رنگ و حتی بی رنگ می شود، او جانش را به تک تک واژه های شعرش می بخشد. با شعرش زیست می کند و جانش از آن می بالد و فربه می شود. ذات و جوهر مضامینی که شاعر بدان شکل می بخشد برخاسته از نهاد اوست و ای کاش دست کم نمی بود این نیاز تُنک مایه به قرص نانی و کف آبی اهل معنی را، تا به خاطر آن این همه جان های فرهیخته آزرده شود.

دایه ایام دون را شیر پستان خشک باد
کامل معنی را به جای شیر از او خون می رسد

(همان، ۱۶۳)

در چشم انداز هر هنرمندی یک سیمای آرمانی نهفته است که آن را جان زایا یا مادینه جان می نامند که سرچشمه است و همه چیز از او زاده می شود، هنگامی که روان شاعر با آن همرا می شود هویت راستین خویش ر که در نهاد او نهفته است باز می یابد. این گونه است که ابن حسام آنانی را که از چنین ویژگی ای برخوردار نیستند بی هویت می بیند، گویی که نیستند و خاقانی وار بر خود می بالد. باین که دانش روان شناسی که از تازه ترین شاخه های درخت دانش بشری است این اجازه را نمی دهد که در قلمرو تفسیر ادبی رابطه ای بی چون و چرا بیان علت و معلول برقرار کنیم و این چیزی است که از علم باید انتظار داشت، اما روان شناسی در پهنه نیم روان شناختی غریزه ها و بازتاب ها رابطه علی روشنی کشف می کند و آن جا که زندگی روانی آغاز می گردد روان شناسی به توصیف دقیق رویدادهای به هم پیوسته ای می پردازد تا ر و پود آن بسیار ظریفانه به هم یافته شده است. و از جایی که شعر با روان هنر مند رابطه تنگاتنگی دارد و کار کردهای هنری شاعر برخاسته از انگیزه های روان شناختی اوست ابن حسام آزمندی را اهریمنی می بیند که انسان را از راه به در می برد و به وادی گناه می کشاند، و از این روست که به دعا از خدا می خواهد؟ (نقوی، ۱۳۷۸: ۱۴۷-۱۵۰)

عنان من از کف دیو آز بیرون کن
که آز خام طمع کرده بر گنه چیرم

(دیوان: ۳۰)

علاوه بر دوستی خاندان عصمت و طهارت که با گل وجودش عجین شده بود. غالب اوقات به زهد و گوشه نشینی و حالت انقطاع می گذرانده و گفته اند «هیچ گاه به خانه های مریدان و معتقدان تردد نمی کرد. و مایل به ضیافت بزرگان و اعیان نبود.

اکثر اوقات در مزرعه خود که در (ریج-رچ) واقع است به سر می برد و مزرعه رچ که به لطافت هوا و عذو بت ماه کثرت اشعار میوه دار به غایت ممتاز است مورد توجه او بود. چنانکه خود در وصف آن گوید:

رچ مزرعه ای است بو ستانی ز بهشت
من شرح هوای او نمی یارم گفت

کاورد نسیمش ارمغانی ز بهشت
یا هست بهشت یا نشانی ز بهشت

ابن حسام مکرر زمستان را نیز در همان مزرعه به عبادت گذرانیده. دربارهٔ تحصیلات ابن حسام، اطلاعات دقیقی که مستند بر اسناد کافی باشد در دست نیست ولی آنچه از اشعارش بر می آید بر علوم اسلامی زمان و به خصوص نجوم و تاریخ تسلط کافی داشته و بر کتب نظم و نیز گذشتگان مسلط بوده به ویژه بر مطالعه اثر جاویدان و حماسی بی نظیر فردوسی که مورد تقلیدش واقع شده است ممارست زیاد داشته است. به طوری که سبک سخن سرایی فردوسی را در اثر خود خاوران نامه استادانه تقلید کرده و حتی ادبیات و مصاریع - گاه گاه به صورت توارد در اشعارش به عینه آمده است. جز اینکه اثر حماسی ابن حسام صیغه مذهبی دارد. (احمدی بیرجندی، ۱۳۸۸: ۴۶) دیوان ابن حسام را بیشتر قصیده شامل می شود که، ترجیحات، مخمسات، مشمات و مربعات در حمد باری تعالی و نعت پیامبر (ص) و منقبت علی(ع) و اولاد او، و بیان مصیبت کربلا و رثای حسین بن علی و ستایش حضرت مهدی(عج) و ... است. اشعار ابن حسام حاوی مضامین وعظ، حکمت و اندرز است و در بیشتر قصیده هایش، تنزل و نیز وصف افلاک، بهار و خزان، طلوع و غروب خورشید و ... دیده می شود. وی در سرودن قصیده پیرو قصیده گوین از انوری تا سلمان است و به ویژه قصیده های ظهیر و خاقانی را مورد توجه قرار داده است. در قصیده هایش، ردیف های دشوار اعم از اسم، فعل و جمله، زیاد دیده می شود و سرودن قصیده های مصنوع و موشح، و منظومه های مربع و مخمس و مسدس و مشحن، مورد علاقه اوست. در اشعار این شاعر، التزام های دشوار، فراوان است. به طور کلی، ابن حسام در مقایسه با هم عصرانش، بشاعری چیره دست و بویژه در سرودن قصیده تواناست. (صفا، ۱۳۷۸: ۳۱۸)

در قصیده ها و همچنین پند نامه ها، ابن حسام بسیار کامیاب است، اما در قصیده های مدحی دیگر بسیار اندکاست توفیق چندانی به دست نمیآورد آنگاه که سخن از جان شیفته‌او زبان میکشد میسراید:

ای ز رفعت پای قدرت برتر از چرخ برین
 اختر برج فتوت گوهر درج کرم
 شهر بند شهر ایمان باب شهرستان علم
 ای به همت دست فیاضت چو دولت تاج بخش
 بندهٔ درگاه با اجلال تست ابن حسام
 واپسین روز از به کار آیی مرا کار آن بود
 ذات پاکت مقدمه تنزیل رب العالمین
 کان مردی و مروت نفس خیر المرسلین
 داور دوران امام حق امیر المؤمنین
 وای به عزت در ره دین پای تمکینت مکین
 گرز اخلاصش بپرسی بندهٔ مخلصترین
 کار کار تست و ما ر روز واپسین

(دیوان، ۲۳-۱۱۸)

دل ار شکسته و آشفته و پریشان است
 کدام سرمه کشیدی که چشم خوش خوابت
 مگر که سرمه چشمت که عین بینایی است
 علی مرتضوی منزلت که در ره دین
 امام مصطفی رتبت آن که از ره قدر

عجب مدار که در بند زلف خوبانست
بدان سیاه دلی چون چراغ تابانست
غبار تربت و چشم و چراغ ایمانست
چراغ گلشن تقوی و شمع عرفانست
مکان رفعت او ماورای امکانست

(دیوان، ۲۲۸)

راجی کرمانی

از آن هنگام که کاخ عظیم نظم پارسی « شاهنامه » به وسیله استاد بزرگ طوسی پی ریزی شد، باب های مختلف فکری و ادبی به روی اندیشمندان صاحب طبع گشوده گردید و هر گروهی به زعم خود یار این آیت فصاحت و بلاغت که - ابن اثیر « قرآن عجمش خواند گردیدند.

جامعیت و مشمول این سرمشق معرفت و دانش همگام با ناکامی ها و پایان نامه ها و پایان غم انگیز زندگی سراینده بزرگش، آن چنان تأثیری در قلوب عالم و عامی به جای گذارد که سخنوران چیره زبان با اعجاب و تحسین پیرویش کردند و عامه مردم به عنوان نقل مجلس انتخابش نمودند. حقیقت جویی و توجه عمیق استاد طوسی به میانی ملی و مذهبی و پیشوای انسان ها حضرت محمد (ص) و تعلق خاطره وی به آل علی (ع) و استناد به گفتار رسول اکرم در آغاز و انجام بیشتر داستان های رزمی مؤثر ترین انگیزه جلب قلوب و افکار خردمندان متدین بوده و هست و از آن جمله نمونه این افکار است که در شاهنامه بفرآوانی می توان یافت:

انا مدینه العلم و علی باب ها:

درست این سخن گفت پیغمبر است

که من شهر علمم علیم در است

لاخیر فی القول الامع الفغل:

دو صد گفته چون نیم کردار نیست

بزرگی سراسر به گفتار نیست

این اثر بزرگ حماسی از جهات مختلف ادبی و تاریخی در ادبیات ایران و جهان تأثیر غیر قابل انکاری داشته و مورد تقلید گویندگان بزرگی قرار گرفته است. (بهزادی اندوهجردی، ۱۳۸۵: ۱۲۹-۱۳)

مضامین اجتماعی مذهبی

در زمینه مذهب یکی از بزرگترین آثار حماسی که به تقلید شاهنامه فردوسی تنظیم یافته «حملة حیدری» است که با این بیست آغاز می شود:

خرد بخش و دین بخش و دینار بخش

بنام خداوند بسویار بخش

و راجع است به حمد خداوند و نعت رسول و ائمه اثنا عشر و زندگی حضرت رسول (ص) و علی بن ابی طالب و غزوات آن حضرت تا پایان خلافت و ضربت خوردن و شهادت آن امیر مؤمنان

وقایع و داستان هایی که حول زندگی حضرت علی(ع) اتفاق افتاده، در زمره این گروه است برخی از این داستان ها که تعداد بسیار کمی با توجه به حماسی بودن منظومه و تأثیرپذیری آن از شاهنامه فردوسی، جنبه غیر واقعی دارند و برگرفته از تخیلات شاعر و داستان سرایان است. اولین نگاره داستان معراج حضرت محمد(ص) است. به دلیل اهمیت موضوعی آن انتخاب

شده است. حضرت محمد(ص) پیامبر بزرگ داری شریعت، مأموریت یافت در شگفت معراج و در مرحله ای که به طور اعجاب انگیزی به بارگاه الهی انتقال می یابد، رسالت تثبیت شده اش را مشاهده کند. در اولین سوره «اسرا» و «نجم» سفر شبانه عروج، از مرحله اول که پیامبر همراه فرشته جبرئیل از مسجد الحرام در مکه مسجد الاقصی در بیت المقدس، سیر کرده، و سپس در قسمت دوم سفر، پیامبر از بیت المقدس تا بهشت هشتم، که به حریم ذات الهی وارد شده، به رموز هستی و اسرار جهان آفرینش نایل می شود. داستان معراج نبی، بارها در دوره های پیشین نیز دست مایه تصویر گران قرار گرفته، به شیوه ها و سبک های مختلف تصویر شده است. معراج نامه شاهرچی از مهم ترین آن هاست، که بخش های مختلف سفر پیامبر را مصور نموده است. (روز سگای، ۱۳۸۵: ۸-۱۳) نگارنده داستان که مربوط به یکی از نسخه های ابتدایی چاپ سنگی این منظومه است، در فواصل سال های ۱۸۶۴-۱۸۴۴/۱۲۸۰-۱۲۶۰ مصور شد؛ نقاش آن نیز به احتمال قوی علیقلی خوبی و یا میرزا غلامرضا کرمانی است. علت نامشخص بودن آن این است که، از میان نسخه های به دست آمده صفحه اول و آخر آن به دلیل فرسودگی و تاریخ دقیق چاپ، نام کاتب و نقاش آن ها نامشخص است. حمله حیدری ملا بمانعلی با این بیت شروع می شود.

به نام خداوند دانای فرد
که از خاک آدم پدیدار کرد

از لحاظ تعداد ادبیات بیش از حمله حیدری با ذل است، این منظومه نیز درباره زندگی محمد بن عبد الله (ص) و زندگی و غزوات مولای متقیان است. آقای دکتر صفا آن را «حمله راجی» نامیده اند به اعتبار این که تخلص ملا بما فعلی کرمانی «راجی» بوده است.

ما مضمون و لحن اسطوره غنایی و حماسی را در کتاب حمله راجی می بینیم. شعر راجی، از عواطف و احساساتکه عنصر اصلیشعر غناییاست، بهره‌بر گرفته استاو در یکپاز ساقینامه‌های خود میسراید:

بشــنو آن چــنانم دل از آب خــم
که ســازم ره بــه توبــه و زهدگم
بتــابم زبــاران دو روی رو
مــن وســاده رویان و جام و ســبو
ره خانــه و خانقــه گــم کــنم
رُخــم ســوی خمخانــه و خم کــنم

پیوند گونه حماسی و غنایی در شعر راجی، افزون بر آبخور های نثر فارسی، می تواند جنبه دیگری هم داشته باشد. به عقیده گروهی از محققان شعر حماسی از شعر غنایی متأخر و حتی نتیجه و دنباله آن است زیرا بنابر آنچه از ظواهر امر بر می آید، آدمی زودتر از آن که به وصف حوادث خارجی و اجتماعی و سایر امور بپردازد خود را سروده های مذهبی و عشقی یا اساطیری که بیشتر جنبه غنایی داشت سر گرم می کرد. در حماسه راجی نیز روح غنایی و عشقی بیشتر به نظر می آید. (صفا، ۱۳۶۳: ۱۴)

اگر چه راجی، در بیان حوادث تاریخی منظوم خود، به حوادث عینی پرداخته است و از نظر بیانی و توصیف، برون گرایی نماید و از این جهت به مضمون و زبان حماسه نزدیک می شود. اما در ساقی نامه ها مضمون و حوزه واژگانی زبان شعرا و تغییر می کند، مضمون و اندیشه شعر او، به مکتب درونگرایی نزدیک می شود و از واژگان نا محسوس و عقلی بهره می جوید و از همین جاست که حمله راجی از شاهنامه فردوسی فاصله می گیرد. زیرا تصویر در حماسه باید قاطع و مشخص باشد. بدین جهت است که مادی بودن اجزاء تصویر بر امری است که نباید فراموش شود. حتی معانی انتزاعی و تجربیدی باید در قالب امور مادی عرضه شود تا چه رسد به امور مادی. (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۲۴۱)

از بررسی شاهنامه و قیاس کار فردوسی با دو حماسه سرای قبل یعنی دقیقی و اسدی، این نکته به روشنی دانسته می شود که عنصر عمو و اصلی در خیال حماسی، باید مبالغه و اغراق باشد. آن گونه که در شاهنامه هست، نه استعاره دیگر مجازیهایی که ذهن را به تأمل در ریزه کاری ها و جزئیات وادارد. زیرا توجه به ریزه کاری ها، ذهن خواننده را از نگاه کلانی که در حماسه وجود دارد، باز می دارد. عنصر اغراق در حمله راجی نیز وجود دارد. اگر چه گاهی این عنصر کاملاً مقلدانه است:

نه افلاک او را کمین بنده گشت	(چو) سال شهنشاه آمد به هشت
بر او تنگ بُد این سرای سپنج	نمودی دو ده سال در پسنج
ز رخسار او ماه، ماه نسوی	زنور رخش مهر بد پرتسوی
شد خاک از پای او عرش سا	نهاده بهر جای بر خاک پا
هژ برانش ترسان ز بازو و جنگ	ز چنگال او سست چنگ پلنگ

اگر این دیدگاه را بپذیریم که اسطوره در نقد امروزی کم و بیش به قلمرو و معنای خاصی اشاره می کند. قلمروی که در آن مذهب، فرهنگ توده، انسان شناسی، جامعه شناسی، روانکاو و هنرهای زیبا شریکند، می بایست در تحلیل اسطوره حماسی، به همه جنبه های پیشین توجه داشت. اگر چه اسطوره شعری می تواند با مقوله های دیگر و از جمله مذهب رابطه برقرار کند، آنها را نباید یکی دانست. زیرا شعر، رازی عظیم و مذهب رازی عظیم تر است. اسطوره مذهبی، در مقیاس وسیع به استعاره شعری اعتبار می بخشد، از همین رو، فیلیپ و بلریت، اعتراض کنان به پوز یتویست هایی که حقیقت مذهبی شعری افسانه می دانند، تأکید می کند که دور نمای ضروری دورنمایی اسطوره ای مذهبی است. یکی از نمایندگان متقدم این طرز فکر، جان دنیس و نماینده متأخر آن آرتو مارکن است. (شغیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۳۸۴)

وجود انگاره هایی ناهمخوان یا ایماژهای شیطانی که از سبک عراقی، در شعر عرفانی فارسی، نمود یافته است، نشان می دهد که شاعر تا چه اندازه به زبان غنایی عرفانی نزدیک شده است. انگاره هایی چون « آتشین آب » که در ادبیات زیر دیده می شود:

از جام، من را می ناب ده	از آن می، مرا آتشین آب ده
چو گردید باد صبا مشک بیز	به خاکم تو آن آتشین آب ریز

چنین می نماید که راجی، در گریز از محور عمودی مثنوی و روی آوردن به معنوی و روی آوردن به مضمون غنایی و غزل تا حد زیادی تأثیر مولوی است. اشاره شاعر به دانای رومی و مولوی و مثنوی و درود دانای رومی بر این گونه از مثنوی راجی نیز می تواند گویای تأثیر و تأثر مذکور باشد:

مغنی به دستان از این داستان	ببر آرای رود و سرود بخوان
از این مثنوی گبر بر آری سرود	ز دانای رو میست آید درود
به بانگ نوا و به آواز نی	به روم افکنی غلغل های وهی
کنند فاضل رومی مولوی	از این مثنوی زینت مثنوی

از دیدگاه اندیشگی، اگر چه وسعت و ناپیدا کرانگی شاهنامه، در حمله راجی، به نظر نمی رسد و عرصه کتاب راجی، مجال پرگشودن به همه افق های گسترده را به شاعر نمی دهد اما از نظر هسته اندیشه، راجی به نگاه حکیمانه، فردوسی نزدیک می شود: «راز جهان نا یافتنی است»

چنانکه فردوسی می گوید:

از این راز جان تو آنگه نیست	بدین اندر تو راه نیس
-----------------------------	----------------------

گذشته از رویداد های تاریخی اسلام که مضمون اصلی حمله راجی را تشکیل می دهد، شاعر از مضامین قرآنی چون خلقت انسانی و لحن اعتراض گونه فرشتگان و پاسخ خداوند نیز بهره جسته است.

نگاری که باشد نگار آفرین
 در او صورت خود پدید آورد
 برآمد ز خیال ملائک خروش
 که دارد زهر گونه سر کشی
 کند در زمین بی گمان خون به جو
 شب و روز یکسر نیایشگریم
 رسید از جهان آفرین این خطاب
 همه ناتوان و توانا منم
 در این خاک گنج نهان یافتم
 اگر پاک گردد چو او پاک نیست

که اکنون نگارم به روی زمین
 از آن نقشش بسیم و امید آورد
 از آن بانگ شد آفرینش زهرش
 که آیا دگرگونه نقشی کشی
 پر از کینه دل باشد و فتنه جو
 ترا مایه پاکی ستایشگریم
 چو گفتند زینسان ملائکه جواب
 شما جمله نادان و دانا منم
 سوی آفرینش چو بشتافم
 مرا آفرینش جز این خاک نیست

و در باره خلقت انسان از خاک و آفرینش شیطان آتش و داستان سجده نکردن ابلیس بر آدم با تأثر از قرآن کریم می گوید:
 سزا پرده زد بر لب جوینار بده ساقیا می که ابر بهار

اما یکی از ویژگی هایی که سبک حمله راجی را تشخیص می بخشد، بازتاب اعتقادات و باور داشت های مذهبی شاعر در کتاب اوست. حماسه های ملی فاقد چنین جنبه هایی است. از این میان می توان به نورانی شدن رزمگاه با تابیدن نور رخ علی(ع) در میدان رزم و نورانی شدن سیمای پیامبر(ص) و تابیدن نور او در حرم و وارد شدن رسول(ص)، در خانه خدا و آشکار شدن روح خدا و نمایان شدن آنچه در پرده اسرار بوده بر پیامبر و نیز درخشش سیمای امام حسین(ع) در نه سپهر، اشاره کرد:

چو نور رخش گشت تابان ز دور همه رزم گه گشت لبریز نور
 جهان روشن از نور سیمای او به گیتی نه کس بود همتای او
 چو نور رخش در حرم تافته حرم نور از رای او یافته
 به خان خدا شد رسول خدا بر او گشت روح خدا خود نما
 نهان آنچه بود، روزگار برانجاش بی پرده بُدا شکار
 چو سیمای او تافت درنه سپهر تو گفتی خداوند بنمو چهر

حماسه راجی، از گونه ای است که «ویکو» در کتاب «علم جدید» آن را مانند شعر، نوعی حقیقت یا معادل حقیقت می داند. چیزی که رقیب حقایق علمی و تاریخی نیست بلکه منضم به آنهاست. باید زبان خاص آن را شناخت و به تفسیر آن پرداخت از لحاظ صورت همیشه منطبق با واقعیت هایی تاریخی نیست اما روح تاریخ و حقیقت آن را با خود همراه دارد.

اگر عصر راجی، عصر طبیعی حماسه سرایی نیست و چونان غزنویان و سلجوقیان در این دوره نیز آفرینش حماسه های ملی رنگ می بازد؛ اما همین زمینه فرصتی ایجاد می کند تا به بازآفرینی تاریخ دینی با زبان و آهنگ حماسی پرداخته شود. در حمله راجی پرداخت روایی و اسطوره ای بکار رفته است. پرداختی که در برابر مقال و یا لکتیکی یا توضیح قرار دارد و در برابر تفکر فلسفی منظم، غیر عقلانی و شهودی است؛ یعنی تراژدی آشیل در برابر یا لکتیک سقراط. (فضیلت، ۱۳۷۹: ۳۷۶-۳۷۷)
 غیر از حمله حیدری با ذل در باب برخی از احوال محمد بن عبدالله صلعم و سرگذشت علی بن ابیطالب علیه السلام و جنگ های او منظومه یی به نام حمله حیدری یا حمله در دست است که البته نباید با حمله حیدری باذل اشتباه شود. این منظومه

دو بار در ایران به سال ۱۳۶۴ و ۱۲۷۰ چاپ شد و نسخه چاپی ۱۲۷۰ که به نظر نگارنده رسیده و حدود ۳۰۰۰۰ بیت دارد و از این روی منظومه مفصلی است که به تفصیل از حمله حیدری باذل نیز در می گذرد. نخستین ابیات این منظومه چنین است:

به نام خداوند دانای فرد
که از خاک آدم پدیدار کرد
ز صلصال ناچیز آدم کند
به بزم قبولش مکرر کند

داستان کتاب آغاز شده است به مکالمه رسول خدا با فاطمه بنت اسد و تولد علی بن ابی طالب (ع) در بیت المقدس و بیان بعضی از حالات پیامبر اسلام و ازدواج او با خدیجه و بعثت به رسالت. در این کتاب بعضی از تصورات ملی ایرانیان نیز اثر کرد و از آن جمله داستان دیوی که به خدمت پیامبر آمده و قبول اسلام کرد و اگر این کتاب را با حمله حیدری باذل مقایسه کنیم آن را از لحاظ استحکام و زیبایی ابیات بهتر می یابیم. آخرین بیت منظومه مذکور چنین است:

ندانم از این گردش روزگار
ز گفتار رو اردن ناپدیدار

ناظم کتاب حمله یکی از شعرای قرن سیزدهم هجری است به نام ملا بما نعلی متخلص به راجی کرمانی از مردم کرمان که منظومه خود را به امر شاهزاده ابراهیم خان آغاز کرده و در مدح او و تقدیم به وی نیز ابیاتی در مقدمه کتاب خویش آورده است. نام کتاب او در نسخه چاپی ۱۲۷۰ «کتاب حمله ملا بما نعلی» است (صفا، ۱۳۸۴: ۳۸۵). اندیشه ریا یا ستیزی و مدرسه گریزی و مبارزه با خود پرستی و شکست نفس و هستی نیز مضامین مکتب عرفانی که در شعر راجی کرمانی به چشم میخورد:

به زهد ریایی شبیخون کنم
ز خون ورع خرقه گلگون کنم
رهانم دل از کفر و از وسوسه
بغارت هم حاصل مدرسه
سرخوپرستی من از دست خود
بم چون سر عمر بن عبدود

داستان فرستاده شدن راجی به دربار فتحعلی شاه و مصراع با لبداهه ای که آن شاعر در تکمیل شعر پادشاه قاجار، سروده است - اگر صحت داشته باشد. می تواند بر روانی طبع شاعر دلالت کند. از این گذشته سرودن نزدیک به سی هزار بیت خود نشان از طبع سیاتل و خلاق شاعر دارد. تأملی در مضامین و محتوای حمله حیدری نشان می دهد که دادن لقب «فردوسی ثانی» و «حکیم کرمانی» به راجی، بی مناسبت نیست. (فضیلت، ۱۳۷۹: ۳۷۵) زندگی نامه راجی کرمانی

ملا بهمن یا ملا کیخسرو در اواخر سده هجدهم در شهر کرمان متولد شد؛

ملا بمانعلی راجی کرمانی متخلص به فردوسی ثانی شاعر حماسه سرایی است که در قرن دوازدهم زندگی می کرد ابتدا مذهب او زرتشتی بود اما در اثر عنایت حضرت علی (ع) بیماری اش، شفا یافت و بعد از آن به دین اسلام مشرف شد. (دانشور، ۱۳۹۲: ۳۲)

معروف است به ملا بما نعلی در آغاز آیین زرتشتی داشته و لازم به تذکر است که زرتشتیان احترام فراوانی نسبت به سالار شهیدان حسین بن علی (ع) قائلند و آن جناب را به خاطر ازدواج با شهربانو دخت یزد گرد، داماد خود می دانند. بمانعلی که معلوم نیست نام زرتشتی چه بوده مبتلا به بیماری غیر قابل علاج و خطرناکی می شود در ایام عاشورا که شیعیان در مصیبت سیدالشهداء سینه می زدند و عزاداری می کردند او را از خانه بیرون می آورند تا عزاداران را بنگرد. سرانجام روزی با مشاهده سینه زنان گریه فراوانی می کند و بی هوش می شود. در عالم بی هوشی مولای متقیان را می بیند که خطاب به او می فرمایند... (بمان) این واقعه سبب بهبودی او می شود و سپس مسلمان می گردد و نام خود را به «بمان علی» تغییر می دهد و

شروع به نظم حیدری که مشتمل بر منقبت مولای متقیان است می‌کند. البته ملا بمانعلی کرمانی سال‌ها بعد از باذل، حمله حیدری خود را منظوم ساخته است. این دو منظومه حماسی هر دو به سبک و شیوه شاهنامه فردوسی و به بحر متقارب ساخته است. (بهزادی اندو هجری، بی تا: ۱۳۱) او در سن جوانی به طلبگی روی آورد، و به فراگیری علوم دینی و صرف و نحو پرداخت. او به خاطر شعرهایش مورد توجه حکام روزگار خویش، از جمله فتحعلی شاه قرار گرفت، حمله حیدری از آثار برجای مانده اوست. شعری پخته، روان و یا صلابت است. از سوی دیگر، در همین قرن در عهد سلطنت شاه جهان حمله حیدری دیگری نیز نوشته شده که از باذل مشهدهی است.

ملا بمانعلی کرمانی متخلص به راجی (فردوسی) ثانی از شاعران و حماسه سرایان اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم است. در آغاز به مثال باقی اشتغال داشت.

بعد از ماجرای احوال وی را به ابراهیم خان ظهیر الدوله حاکم کرمان، گزارش دادند. ابراهیم خان ظهیر الدوله او را خواست و مورد توجه و نوازش قرار داد. (همان، ۳۳)

کمک کرد تا وی در مدرسه ابراهیمیه کرمان به تحصیل علوم دینی بپردازد. بمانعلی پس از دوره طلبگی راهی دیار یزد و شهر تفت شد و امامت آن جا را پذیرفت و شغل حرفه ای واعظی را پیشه کرد. او در این دربار شعر سرود؛ سرآغاز سرودن حمله حیدری نیز ظاهراً از همین جا بود. او مدت چهارسال، یک هزار و پانصد بیت را به نظم درآورد. پس از بازگشت به کرمان نزد حاکم آن دیار، ابراهیم خان، رفته، به مداحی وی پرداخت، و کار نظم حمله حیدری را تداوم بخشید. بمانعلی این اثر را پیش از فوت ابراهیم خان در سال ۱۲۴۰/۱۸۲۴ خاتمه داده است. (تراپی طباطبایی، ۱۳۵۸: ۳۳)

پس از خرابی کرمان به عتبات عالیات مسافرت کرد و سپس به یزد آمد و از آنجا به کرمان بازگشت و بی نهایت مورد نوازش والی وقت، قرار گرفت. در این تاریخ آرامشی بر کرمان حکم فرما شده و عده ای شعرا و نویسندگان و خط نویسان عهد زندیه در این خطه گرد آمده بودند. ابراهیم خان ظهیرالدوله به آنان توجه خاصی داشت. راجی در میان اقران به فردوسی ثانی و حکیم کرمانی اشتها یافت و مورد توجه احترام دیگرانی بود؛ به طوری که ابراهیم خان در سفری که به تهران نموده بود، او را پیشگاه فتحعلی شاه آورد و به وی معرفی کرد و گویند: «شاه در جلسه اول به او این مصرع که خود گفته بود وی را آزموده و خواست که راجی مصرع دوم آن را بگوید» «در جهان چون یوسف اما کس ندید» راجی فی البداهه می‌گوید: «حسن آن دارد که یوسف آفرید». (تراپی طباطبایی، ۱۳۵۸: ۳۳)

در کتاب هایی مانند حدیقه الشعرا از سید احمد دیوان بیگی شیرازی از ادبای قرن سیزدهم، مجمع الصفا (از بزرگ ترین تذکره های فارسی عهد ناصرالدین شاه) از رضا قلی خان هدایت شاعر و نویسنده مشهور قرن سیزدهم، روز روشن مولوی مظفر حسین متخلص به صبا، تذکره شبستان از محمد علی حسینی مدرس و چند آثار دیگر به نام و زندگی راجی اشاره شده است. (راجی کرمانی، ج ۱، ۱۳۸۳: ۵-۷)

کتاب حمله حیدری با بیش از سی هزار بیت بر وزن شاهنامه فردوسی و دیوان اشعار شامل قصاید، غزلیات و غیره از آثار به جای مانده از اوست که با این بیت آغاز می‌گردد:

بِه نام خداوند دانای فرد که از خاک، آدم پدیدار کرد

و شامل ابیاتی در وصف آفرینش موجودات، در اوصاف جناب ابوطالب و زندگی علی (ع) و ساقی نامه و نیز اشعاری در مورد حوادث کربلا به نام کربلائیات که عمده این ابیات در مورد داستان حضرت قاسم، پسر امام حسن (ع) است. راجی این داستان را با ابیاتی در مورد حمد وستایش خداوند این گونه آغاز می‌کند:

بِه نام خداوند دانای راز سخن گستر از سخن بی نیاز

تاریخ او را حدود ۱۸۵۴ - ۱۸۴۴ / ۱۲۷۰ - ۱۲۶۰ نقل کرده اند. (همان، ج ۲: ۱۷۷)

در منظومه حماسی- مذهبی حمله حیدری، بعضی از حالات، بزرگواری ها، شجاعت ها و دلیری های حضرت علی (ع) آمده است، و بیشتر آن ها روایت های شفاهی بوده که با افسانه ها، اسطوره و تاریخ آمیخته شده است، حتی زمینه هایی از تفکر باورها و فرهنگ های عامه مردم در آن ها دیده می شود، که سرایندهان آن، با مهارت این موضوع ها را به تصویر کشیده اند؛ و این نگاه نشان دهنده توانایی، ابتکار و تیز هوشی شاعران بوده است، که با اعتقادی راسخ و بیانی شیوا، به رشادت های حضرت علی(ع) و یاران با وفایش، جدا از صورت شکوهمند واقعیت تاریخی، در قالب اسطوره ای اشاره می کنند. (محمدی، ۱۳۸۳: ۲۴-۲۷)

اثر بمانعلی راجی کرمانی در میان همه آثار مشابه، از نظر شهرت و اعتبار جایگاهی ویژه دارد. موضوع منظومه راجی، تاریخ صدر اسلام با محوریت حضرت علی (ع) تا اواسط جنگ صفین به شیوه داستانی و قصه گویی است. که به نظر می رسد نیمه تمام مانده باشد چون در اواسط داستان صفین بدون هیچ مؤخره و دعا و نیایشی ناگهان خاتمه یافته است. یکی از ویژگی های ساختار کلی این منظومه، آن است که در ضمن سرودن داستان های مربوط به تاریخ اسلام، گریزی به حوادث کربلا دارد که به کربلائیات معروف است. (راجی کرمانی، بی تا: ۲۲)

هر چند حمله حیدری راجی از نظر سبک، سیاق و وزن، اثر باذل و اساساً فردوسی را در نظر داشته، از شاهکار حماسه سرای طوس، بسیار تأثیر پذیرفته است، (همان، ص ۹) اما با توجه به عصر و زمان سرودن حمله حیدری، این نکته گفتنی است، که به حق یکی از ادامه دهندگان راستین حماسه سرایی سده نوزدهم/ سیزدهم است. که از سر اخلاص و ارادت، برگ سبزی از حماسه های غرور آفرین حضرت علی (ع)، فرزندان و یارانش را به دوستداران و عاشقان او ارائه نموده است. (رادفر، بی تا: ۶۵)

منظومه راجی که خمیر مایه و جوهر آن، دینی و مذهبی است، بی شک از کاربرد مضامین آیات قرآنی و احادیث که اساس دین و مذهب است بدور نیست. او به هر نحوی چه مستقیم و چه بصورت اشاره، قرآن، آیات و احادیث را اقتباس، تلمیح و یا به صورت اشاره به کار برده است؛ به طوری که بخشی از آن را تحت عنوان « داستان پیامبران در حمله حیدری » نام می برد؛ بدین وسیله قداست منظومه اش را دو چندان می کند. (امیری خراسانی، بی تا: ۲۴۲)

نتیجه گیری

این منظومه ها که بر اثر استادی و همچنین اعتقادات دینی گویندگان آن ها ممکن است گاه بسیار دل انگیز و زیبا باشند، و بخش عظیمی از گنجینه های ادب پارسی را به خود اختصاص دهند. این گونه حکایت ها، بازگو کننده ی این واقعیت است که اسطوره و افسانه می تواند از منطق زمان و مکان خارج باشد، همان گونه که دو منظومه ی خاوران نامه ی ابن حسام خوسفی و حمله ی حیدری راجی شعرا می کوشند رنگ اعتقادی و باور قلبی خویش را در لابه لای کلمات و عبارات بگنجانند، از این روی بسیاری از آنچه به نظر دور از واقعیت می نماید در نظر گاه آن از راست به واقعیت نزدیک تر است. داستان های این منظومه شامل سیره پیامبر اکرم (ص)، زندگی و رشادت های حضرت علی (ع) این دو منظومه ممکن است از جهاتی با یکدیگر شباهت ها و تفاوت هایی داشته باشند

۱- در ساخت و پرداخت داستانی این دو اثر الگوی اساسی شاهنامه و محتوای روایات پهلوانی ایرانی است، چنان که اگر نام شخصیت ها و مکان های جغرافیایی را حذف کنیم، ساختار روند داستانی متن، اختلاف عمده و توجه بر انگیزی با منظومه هایی مانند گرشاسب نامه و فرزند نامه ندارند.

همین موضوع باعث شده است کف سیمای اشخاص دینی و مذهبی این آثار در هاله ای از ویژگی ها و عناصر اساطیری و مسائل مربوط به روایات پهلوانی پوشیده شود؛ که خود تأثیر شاهنامه و ادب حماسی و داستان هایی از این گونه در میان مردم و فرهنگ ایران نشان می دهد.

۲- شخصیت و سیمای علی (ع) در خاوران نامه و حمله حیدری از مصادیق اسطوره ای شدن شخصیت تاریخی است .

- ۳- قهرمان سازی در این دو اثر، با حضور شخصیت هایی دینی چون حضرت علی (ع) و دیگر قهرمانان سپاه اسلام صورت گرفته است.
- ۴- در این دو اثر، میان مسلمندان و کافران جنگ های متعددی با انگیزه های مذهبی در می گیرد که در نهایت مسلمانان پیروز می شوند.
- ۵- وصف میدان های کار زار در این دو اثر بسیار شبیه شاهنامه ی فردوسی است.
- ۶- نیروهای ماوراء طبیعی، عناصر خارق العاده و موجودات شگفت آور خیالی مانند سحر و جادو دعا، آیات قرآن، دیو، اژدها و غیره را میتوان نام برد.
- ۷- از وجوه اختلافی که میان حمله ی حیدری راجی و خاوران نامه ی ابن حسام می توان نام برد، این است که در خاوران نامه دیو از تسلیم شدن سرباز میزند؛ اما در حمله ی حیدری راجی دیو تسلیم می شود و به خدا ایمان می آورد و معبود را سجده می کند.
- ۸- یکی دیگر از وجوه اختلافی این دو اثر آن است که زبان پهلوانان در خاوران نامه در هنگام رجز خوانی غالباً زبان تلویح و کنایه است اما در حمله ی حیدری راجی، رجزها و بیان مفاخر صریح و غیر کنایی است و از جنبه ی ادبی، کاستی می پذیرد.

منابع و مأخذ

۱. تعالی مرغنی، حسین بن محمد، غرر السیر، ترجمه محمد روحانی، مشهد: مؤسسه ی چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، بی تا.
۲. خائفی، عباس، واقعیت و اسطوره در شعر ابن حسام خوسفی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند، شماره ای ۱ (بهار)، بی تا.
۳. دانشور، حکیمه، مقایسه تطبیقی دو حمله حیدری راجی کرمانی و باذل مشهدی، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۳، بهار ۱۳۹۲.
۴. کاری گوستا و یونگ، جهان نگری، ترجمه جلال ستاری، تهران: توس، ۱۳۷۲.
۵. کاشفی خوانساری، علی، حمله حیدری، تأملی درباره داستان های منظوم درباره مولای متقیان و معرفی یک شاعر، تهران: کتاب ماه هنر، ۱۳۸۰.
۶. کسای مروز، ابو الحسن، دیوان، محمد امین ریاحی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۷. محجوب، محمد جعفر، «افتخار نامه حیدری» عامیانه ایران، تهران: ذوالفقاری، ۱۳۸۲.
۸. محمدی، هاشم، سیمای امامعلی (ع) در حماسه دینیمذهبی ایران، تهران: نشریه کیهان فرهنگی، مؤسسه کیهان، ش ۲۱۶، ۱۳۸۳.
۹. مرادی، حمیدالله، تازیان نامپارسی: خلاصه خاوران نامه ابن حسام خوسفی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.
۱۰. نعمانی، شبلی، شعر العجم، ترجمه محمد تقی فخر داعسی گیلانی، ج ۱، تهران: طوس، ۱۳۶۳.
۱۱. نقوی، نقیب، نگاهیه شاعری ابن حسام (با تکیه بر ابر دیدگاه های روان شناسی)، خراسان پژوهی فصلنامه مرکزی خراسان شناسی آستان قدس رضوی، س ۲، ش ۲، پیاپی ۴، ۱۳۷۸.